بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ديدار دانشجويان و دانش آموزان به مناسبت گراميداشت سالروز 13 آبان - 13 /آبان/ 1381

بسم الله الرّحمن الرّحيم
به همه جوانان عزيز و حضّار محترم خوشامد عرض مي كنم. البته روز سيزدهم آبان به عنوان يک عيد شناخته نمي شود ؛ اما به عنوان يک روز ملي شناخته مي شود. يادبودها و خاطره هايي كه در طول سال، ملتها آنها را به عنوان روز ملي يا جشن ملي بزرگ مي شمارند، بايد در خود مضموني نهفته داشته باشند. هرچه اين مضمون عميقتر باشد، آن روز براي آن ملت از جنبه نمادين اهميت بيشتري دارد. با اين حساب، روز سيزدهم آبان حقيقتاً يک روز مهمّ است. اين روز به عنوان «روز ملي مبارزه با استكبار» نامگذاري شده است. مسأله، مسأله استكبار است ؛ بحث يک دولت يا يک رژيم خاص نيست. البته امروز در دنيا مظهر استكبار - با همان معناي زشت و نفرت انگيزش - امريكاست، والا مسأله دشمني با يک نژاد يا با يک ملت يا با يک كشور نيست. مسأله اين است كه هر ملتي براي خود عزّت و شخصيّتي دارد و مايل نيست قدرتهاي بيروني، با اتكاء به زور يا فريب، آن عزّت را بازيچه قرار دهند. هر ملتي ثروتي دارد و مايل نيست كه آن ثروت چپاول شود.
قبل از پيروزي انقلاب اسلامي، كشور ما جزئي از مجموعه امپراتوري امريكا در اين منطقه محسوب مي شد و خيلي هم وفادار به امريكا بود. سياستهاي امريكا در ايران و به وسيله اين كشور، در هر جايي كه در آن دستي داشت، اعمال مي شد. ثروتهاي ملي به صورت رايگان در اختيار امريكا بود. عناصر سياسي، دولت، مجلس فرمايشي و نمايشي و دستگاه قضايي وابسته آن روز، همه در اختيار اراده امريكاييها بود. كشورهاي همسايه ما هم غالباً كم و بيش همين طور بودند. البته آن روز رقيب بزرگ امريكا در دنيا شوروي بود، كه آن هم در همسايگي ما قرار داشت و به همين جهت امريكاييها پنجه سلطه ي خود را در كشور ما خونينتر و بي محاباتر فرو كرده بودند. در اين كشور اوضاعي بود! كشور ما كه زير سلطه امريكا بود - با اين همه غارتي كه امريكا از اين كشور كرد - حتّي يک قدم به سمت پيشرفت برنداشت. در آن دوره نه پيشرفت علمي كرديم، نه پيشرفت اقتصادي كرديم و نه يک كار صنعتي انجام داديم. يک كشور صد در صد وابسته و مصرف كننده بازار مصنوعات امريكايي و غيرامريكايي بوديم. نه فقط مصرف كننده مصنوعات و فرآورده هاي صنعتي، بلكه مصرف كننده محصولات كشاورزي و فرهنگي و غيره هم بوديم! يک منطقه ثروتمند مثل ايران، مِلک طلقِ سياستهاي امريكايي و در اختيار كمپانيهايي بود كه دولت امريكا را هم در حقيقت همانها اداره مي كردند و مي كنند.
وقتي نهضت اسلامي از سال چهل ويک شروع شد، خطر اين نهضت را پيش از همه، دستگاههاي جاسوسي و اطلاعاتي امريكا احساس كردند. لذا در سال چهل وسه امام را از ايران تبعيد كردند - البته دولت ايران تبعيد كرد ؛ اما پشت سر قضيه، اراده امريكاييها بود - و به كشور همسايه ما بردند، كه آن جا هم تحت سلطه نظاميان و دولتهاي وابسته به امريكا بود.
اوّلين مضمون سيزده آبان عبارت است از رويارويي رژيم امريكا با نهضت اسلامي و بيداري اسلامي. علّت هم اين بود كه آنها حدس مي زدند اگر اسلام در دل مسلمانان احياء شود و در عمل آنان تجلّي پيدا كند، اين قضيه منحصر به ايران نخواهد ماند و دنياي اسلام را فراخواهد گرفت ؛ همچنان كه بعد از پيروزي انقلاب، در فلسطين، لبنان و بسياري از كشورهاي اسلامي و عربي، همين معنا تجربه شد. با گذشت چند سال، نهضت اسلامي در ايران اوج گرفت. در سيزده آبان سال پنجاه وهفت - قبل از پيروزي انقلاب - كشتار دانش آموزي پيش آمد ؛ يعني باز چهره خشن رژيم كه پشت سرش دستگاههاي اطلاعاتي امريكاييها بود، نمايان شد. اين هم باز مقابله با نهضت اسلامي بود ؛ البته با خشونت حيواني. همان روزها رئيس جمهور امريكا و دست اندركاران رسانه اي امريكايي، از ايران به عنوان يک نقطه ايده آل و جزيره ثبات و امنيت اسم مي آوردند و به آن تفاخر مي كردند و از حرفهاي حقوق بشر و چيزهايي كه الان مي شنويد امريكاييها دائم تكرار مي كنند، هيچ خبري نبود!

اما سيزده آبان سال پنجاه وهشت آن روي سكه بود و ورق برگشته بود ؛ يعني اين نهضت با پايداري ملت مسلمان و رهبري امام بزرگوار به پيروزي رسيده بود. بنابراين موذيگري و دسيسه امريكايي عليه كشور به شكل ديگري صورت مي گرفت. در اين جا سفارتخانه خودشان را به مركزي براي خرابكاري تبديل كرده بودند ؛ چه خرابكاري سياسي، چه جاسوسي، چه خريدن اشخاص و شخصيّتهايي كه در انقلاب وارد بودند. يكي از ابزارها همين است كه شخصيّتها و افراد مؤثر و بانفوذ را بخرند. همه جا و هميشه هم آدمهاي بي ايمان و بي وجدان يا سست بنياد پيدا مي شوند كه يک دستِ ثروتمند و قدرتمند بتواند آنها را خريداري كند. قيمت آدمها هم متفاوت است ؛ بعضيها را ارزان مي خرند، بعضيها را يک خرده گرانتر مي خرند! اگر شما به اسناد لانه جاسوسي - كه ظاهراً شصت، هفتاد جلد كتاب يا بيشتر منتشر شده است - مراجعه كنيد، جاي پاي اين خيانتها را مي بينيد. اينها عكس العمل ملت ايران را به همراه داشت. مظهر شهامت و سرعت عملِ ملت ايران هم دانشجويان بودند ؛ آن هم دانشجوياني كه پيرو خطّ امام بودند، نه دانشجوي وابسته به فلان حزب سياسي يا فلان تشكيلات گوناگون و بي ايمان ؛ نه، دانشجويي كه خطّ امام را قبول داشت و به آن مؤمن بود. آنها شهامت لازم را يافتند و رفتند سفارتخانه را تصرّف كردند و اين اسناد را بيرون كشيدند. مضمون سيزدهِ آبان، اينهاست ؛ يعني مقابله با زورگويي، دسيسه و استكبار.

استكبار، يعني روح تكبّر و بي اعتنايي به ارزشهاي ملتهاي ديگر و دخالت در امور ملتها و به خود حق دادن ؛ همين چيزي كه الان در كلمات رؤساي امريكايي ملاحظه مي كنيد. راجع به دخالت خودشان در عراق يا هرجاي ديگر طوري حرف مي زنند، مثل اين كه اينها صاحبان دنيايند! واقعاً انسان كمتر دولتي را مي تواند پيدا كند كه با لحني حرف بزند كه اينها راجع به كشورهاي خاورميانه حرف مي زنند! اين كشورها را مال خودشان مي دانند. استكبار يعني اين. عليه نظام جمهوري اسلامي خيلي فشار آوردند ؛ اما نتوانستند كاري بكنند. عربده جوييهايي كه شما امروز ملاحظه مي كنيد، قدرت نماييهايي كه امريكاييها مي كنند، اينها طبيعت قدرتهاي استكباري است ؛ بايد فرياد بكشند و تهديد كنند ؛ اصلاً بخش مهمّي از قدرت آنها ناشي از همين تهديدهاست! ملت و مسؤولان يک كشور را مرعوب كنند و خواسته هاي خود را در سايه مرعوب شدنشان، به آنها تحميل كنند ؛ قضيه اين است. والّا اين طور نيست كه امريكا اين قدرت را داشته باشد كه بدون هزينه هاي سنگينِ غيرقابل تحمّل، به كشوري حمله نظامي كند ؛ نخير، هروقت لازم باشد، اينها حمله نظامي را به كار مي گيرند ؛ منتها شرط اوّلِ آن اين است كه بدانند در آن حمله نظامي ناكام نخواهند شد و توي دهنشان نخواهد خورد. آن جايي كه احتمال دهند قدرت مقاومتي وجود دارد، هرگز چنين خطري را متحمّل نمي شوند. ثانياً حمله نظامي را وقتي انجام مي دهند كه خواسته هاي خود را از طريق ديگري نتوانند به آن كشور تحميل كنند. با تهديد و فرياد و جنجال و جوّسازي سياسي و قدرت رسانه اي سعي مي كنند خواسته هاي خود را بر آن كشور تحميل كنند.

در مورد كشور عزيز و ملت شجاع و مقاوم ولي مظلوم ما، امريكاييها همه چيزها را تجربه كرده اند. اين هم يک تجربه است كه فرياد بكشند، تهديد كنند، بترسانند و در سايه ترساندن، كارهاي خود را پيش ببرند. آنچه آنها در مورد كشور عزيز ما و شما ملت شجاع و مؤمن ايران - بخصوص شما جوانان - آرزو دارند، مجموعه چند چيز است كه در كنار هم آن را دنبال مي كنند: يكي اين است كه با ايجاد اختلاف و دلسردي و نااميدي و خداي نكرده با خريدن بعضيها، عزم دولتمردان را براي اقدامات اساسي و سازنده در كشور متزلزل كنند و نگذارند دولت ايران - كه يک دولت اسلامي است و پرچم اسلام را بلند كرده است - به مطالبات حقيقي و بحقّ مردم رسيدگي كند. نظامي كه مي خواهد سلطه خود را در كشور ما مثل گذشته دو مرتبه برقرار كند و پنجه خود را در جسم اين ملت فرو ببرد، اين يكي از كارهاي لازم براي اوست. اگر در اين كار موفّق شوند، نتيجه اين خواهد شد كه مردم را از نظام اسلامي دلسرد كنند. لذا مي بينيد در تبليغات رسانه اي بسيار وسيع خود، به طور دائم تبليغ مي كنند كه مردم به خواسته هاي خود نرسيدند و ناراضي و دلسردند.

كار دومي كه آنها مي خواهند تحقق پيدا كند، اين است كه دلبستگيها و انگيزه هاي اساسي اي كه مي تواند اين ملت را مقاوم و به صورت يكپارچه در مقابل آنها نگه بدارد، ضعيف كنند ؛ باورها را برگردانند، ايمانها را عوض كنند، اميدها را كور كنند و آينده و افق را تيره و تاريک و مبهم جلوه دهند. ابزار كار آنها هم رسانه است. رسانه ها در دنيا

خيلي قدرت دارند و به نفع صاحبان خود، كارهاي خيلي بزرگي را انجام مي دهند. بدانيد و مي دانيد كه مهمترين رسانه هاي دنيا - چه خبرگزاريها، چه راديو و تلويزيونها، چه روزنامه هاي بزرگ - متعلّق به سرمايه داران است ؛ يعني همان پايه هاي اصلي استكبار جهاني. در خبرهايي كه در دنيا پخش مي كنند، همه چيز بر طبق منافع و مصالح آنها تنظيم مي شود. بنابراين، اين هم يک خواسته است كه مردم و جوانان را از جانمايه اميد و توان و تلاشي كه آنها را در مقابل دشمنِ متجاوز و متعرّض نگه مي دارد، تهيدست كنند.

يكي ديگر از كارها و آرزوهايي كه آنها دنبال مي كنند، اين است كه وحدت ملي و وحدت بين مسؤولان را از بين ببرند ؛ آحاد و گروههاي مردم را با نامهاي مختلف از هم جدا كنند و ميان آنها ديوار بكشند ؛ بين جمعيت عظيم ملت ايران، ديوارهاي بلند قومي، مذهبي، حزبي، سياسي و بحثهاي مجادله آميز بكشند و وحدت و يكپارچگي را محو سازند. انقلاب اسلامي آمد ديوارها را برداشت و ملت را يكپارچه كرد ؛ اما اينها درست عكس آن را دنبال مي كنند. با طرح مسائل انحرافي، از طرف ديگر وحدت مسؤولان كشور را از بين ببرند ؛ بين آنها دائم اختلاف بيندازند ؛ يكي را تضعيف و يكي ديگر را تقويت كنند. اين اهداف را دنبال مي كنند. من مي خواهم اين را بگويم: آنچه آنها انجام مي دهند، كارهايي است كه خودشان هم نااميدند كه به نتيجه برسد و مي دانند به نتيجه نخواهد رسيد. اگر ما هوشيار باشيم و وظيفه خود را بدانيم و به آن عمل كنيم، همه تدابير دشمن، ناموفّق خواهد بود.

يكي ديگر از كارها اين است كه ملت را مرعوب نشان دهند ؛ در حالي كه ملت و جوانان ما مرعوب نيستند. امتياز ملت ما اين است كه بيشترين نسبت جوان را در بين ملتهاي دنيا دارد. جوان، سرشار از اميد و نشاط است و مايل است كاري به او محوّل كنند و آن را با شجاعت و خطرپذيري انجام دهد. اينها سعي مي كنند ملت را مرعوب كنند ؛ اگر نتوانستند مرعوب كنند، با جوّسازي و نظرسازي مجعول، وانمود كنند كه ملت مرعوب شده است. با نظرسازيهايي كه عواملشان از طريق بعضي از تيترهاي روزنامه ها و بعضي از نوشته هاي انسانهاي واداده و مرعوب درست مي كنند، خود آنها هم دچار اشتباه مي شوند و خيال مي كنند واقعاً اميدي برايشان هست ؛ در حالي كه اميدي نيست و تيزبينانشان مي دانند كه در اين جا اميدي نيست ؛ لذا سعي مي كنند شايد بتوانند براي مقاصد خود جاپايي پيدا كنند.

ملت بايد وحدت خود را حفظ كند. دو بسيج عمده در اين كشور لازم است: اوّل، بسيج مردم، بخصوص جوانان است. بايد براي آماده سازي خود و احياي عزّت كشور و ملت و برافراشته نگهداشتن پرچم اسلام بسيج شوند ؛ چون همه مشكلات اين كشور در سايه اسلام و عمل به قوانين اسلام حل خواهد شد. جوانان خودسازي كنند - هم خودسازي علمي، هم خودسازي اخلاقي و معنوي و ديني، هم خودسازي جسمي - و روحيه و اميد خود را براي دفاع از اين كشور حفظ نمايند كه اين سرمايه بسيار بزرگي است ؛ نقطه مقابلِ آن چيزي است كه دشمن مايل است در ايران اتّفاق بيفتد. در اجتماعات مختلف و در برخوردهايي كه بحمدالله با نسل جوان و قشر جوان دارم و آنچه از مسائل جوانان منعكس مي شود، مي بينم كه در جوانان ما بحمدالله اين استعداد و آمادگي وجود دارد. برخلاف خواست دشمن، اكثريت جوانان ما آماده هستند كه هروقت و هرطور لازم باشد، از كشور و نظام و دين و شرف و عزّت ملي خود دفاع كنند. اجتماعات مردمي، همين را نشان مي دهد.

در آخر ماه مبارک رمضان - كه در آستانه اين ماه قرار داريم و ان شاءالله از بركات آن بايد همه استفاده كنيم و وارد سفره ضيافت الهي شويم - روز قدس است ؛ دفاع مردم از ملت مظلوم و مقاوم فلسطين در آن روز روشن خواهد شد. الان فلسطينيها، دست تنها و بدون سلاح و امكانات، مجهّزترين رژيم منطقه را كه پشتيبانش امريكاست - يعني رژيم صهيونيستي - در داخل خانه خودشان عاجز كرده و به ستوه آورده اند. نتوانستند با اين ملت مقاوم كاري كنند ؛ مقاومت ملتها اين گونه است. استكبار و امريكا اين را مي دانند. مي دانند كه اگر ملتها ايستادگي كردند، هيچ نيروي نظامي اي نمي تواند بر ملتي كه مرعوب نيست و حاضر است از شخصيّت و هويّت و عزّت و آينده خود دفاع كند، مسلّط شود. اوضاع رژيم صهيونيستي دائماً در حال تلاطم است ؛ اما ملت فلسطين محكم ايستاده و مقاومت مي كند و پُراميد است و به ملتهاي ديگر اميد مي دهد. آنها نمونه شجاعت را از خود نشان مي دهند.

البته ملت عظيم و كشور پهناور و گسترده ايران و قدرت سياسي اي كه امروز در دست ملت است، قابل مقايسه با

هيچ كشور و هيچ ملتي نيست ؛ عظمت اين ملت خيلي بيش از اينهاست. ملت و جوانان بايد آماده باشند و ترس از دشمن را در دل خود جاي ندهند ؛ چون دشمن مي خواهد در سايه اين رعب، خرده فرمايشها و تحميلهاي خود را بر گردن اين ملت سوار كند ؛ بدون اين كه هزينه يک كار بزرگ و يک دخالت نظامي را متحمّل شود. اين مربوط به ملت است.

مسؤولان هم بايد بسيج دوم را بكنند ؛ بسيج در راه خدمت. مسؤولان اجرايي كشور بايد توانايي خود را در گشودن گره هاي كار مردم نشان دهند. همين مسأله اشتغال را كه از سال گذشته بارها گفته شد - امسال هم مكرّر گفته شده و دنبال شده و فعّاليتهايي هم بحمدالله شروع كرده اند - بايد به سرانجامي برسانند. بايد مبارزه با چپاولگري مفسدان اقتصادي را - هرجا لانه كرده باشند - به طور جدّي دنبال و سفره هاي فساد اقتصادي را جمع كنند. بايد توانايي خود را در اين كار نشان دهند ؛ مردم اين را متوقّعند و اين توقّعي است بحق. تمام مسؤولان كشور - اعم از قوّه مجريّه، قوّه مقنّنه و قوّه قضاييّه - در اين زمينه ها مهمترين مسؤوليتهاي خود را دارند ؛ نگذارند دشمن اميدوار بماند.

ما مي توانيم. امكانات به اندازه كافي در اختيار مسؤولان كشور هست براي اين كه بتوانند كارها را انجام دهند. شرطش اين است كه كار را وجهه همّت اصلي قرار دهند. سرگرميهاي سياسي، طرح مسائل غيرلازم و خيالي، بزرگ كردن مسائل كوچک و در سايه بزرگ كردن آنها، پوشاندن مسائل اصلي كشور، مضرّ است. مسائل اصلي كشور، مسأله اقتصاد و مسأله علم و ارتقاي پايه علمي دانشگاهها و همان جنبش نرم افزاري است كه ما بارها در دانشگاهها و در ديدار با دانشجويان و اساتيد در ميان گذاشته ايم ؛ همچنين مسأله حفظ روحيه و فرهنگ ديني جوانان است.

اينهاست كه مي تواند يک ملت و بخصوص ملت ما را سر پا و مستحكم نگهدارد و توطئه هاي دشمن را خنثي كند. بنابراين مسؤولان اوّلاً در زمينه هاي فرهنگي، اقتصادي، علمي و در زمينه مبارزه ي با مفسدان و مخرّبان تلاش كنند و كار را وجهه همّت خود قرار دهند. دوم اين كه اختلافات را كنار بگذارند. اين اختلافات و دوگانگيها براي مصالح كشور و منافع مردم و نيروي مقاومت در مقابل دشمن، زيانبار است.

قانون اساسي با اتقان كامل، ساختار سياسي كشور را مشخّص كرده و هر كس در جاي خود وظيفه اش معلوم است. همه، وظايف خود را انجام دهند ؛ با هم معارضه نكنند ؛ وحدت كلمه را حفظ كنند و مرعوب دشمن هم نشوند.

البته بحمدالله مسؤولان عالي رتبه كشور ما مرعوب دشمن نيستند ؛ خوب مي فهمند و مي دانند ؛ تكيه شان به قدرت ملي - كه قدرت خدا و قدرت ايمان مردم است - خيلي بالا و قوي است ؛ مي دانند دشمن نمي تواند كاري بكند ؛ اما بعضي در گوشه و كنار ممكن است مرعوب شوند. مرعوب شدن از دشمن، خيلي مضرّ است ؛ تحليلها و ديدگاهها را عوض مي كند، تصميم گيريها را خراب و عمل را دچار اختلال مي كند.

هم ملت و هم مسؤولان بدانند، قدرت بزرگي كه اين ملت در انقلاب عظيم اسلامي نشان داد و توانست استكبار جهاني را مات و مبهوت كند، همچنان در اين ملت به قوّت خود باقي است. به اين قدرت اعتماد كنند، آن را قدر بدانند و در سايه اين قدرت و با توكل به خداوند بزرگ، كارهاي كشور را دنبال كنند. اسلام به فضل الهي با همّت و تلاش مسؤولان و ملت عزيزمان خواهد توانست در دنيا امّت بزرگ اسلامي را روسفيد كند.

از خداوند متعال مي خواهيم ادعيّه زاكيّه حضرت بقيةالله ارواحنافداه را در حقّ ملت عزيزمان و در حقّ شما جوانان مستجاب فرمايد و همه ما را خدمتگزار راه اسلام و انقلاب و سربلندي اين كشور قرار دهد.

والسّلام عليكم و رحمةالله و بركاته